

مسئله شعارها در جنبش های توده ای جاری

از حقیقت دوره دوم، شماره 29، اسفند 1377

مردم به خیابان آمده اند؛ شعارها در فضا طنین می اندازند و خواسته های گوناگون را اعلام می کنند: "مرگ بر استبداد! زنده باد آزادی!"، "توپ، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد!"، "آزادی زندانی سیاسی!" در خیزش های خودبخودی زحمتکشان که معمولاً جرعه اش را جنایت مزدوران مسلح رژیم، یا قلدریهای شهرداری و امثالهم می زند و در بسیاری موارد به درگیریهای قهرآمیز می انجامد، شعارها نیز بوی خون می دهند: "مرگ بر نیروی انتظامی!"، "مرگ بر شهردار!" مردم با شعارهای خود، خواهان مرگ سردمداران رژیم می شوند. در این نوع خیزشها، با چنین شعارهای برانگیزنده ای است که می توان مردم را به ایستادگی در مقابل نیروهای مسلح رژیم فراخواند، به دشمن هجوم برد، مراکز دولتی را ویران کرد و مزدوران را به سزای اعمالشان رساند. و این چیزی است که طی سالهای اخیر بارها اتفاق افتاده است.

در مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان که معمولاً خصلت مقاومت جویانه دارد، بر حسب موضوعات روز، شعارهای متفاوتی طرح می شود: "علیه اخراج دستجمعی"؛ "برای افزایش دستمزد"؛ "پرداخت عیدی"؛ "علیه اخراج رهبران و فعالین جنبش کارگری"؛ "برای آزادی رهبران و یاران اسیر"؛ "علیه قلدریها و اجحافات مدیریت". گاه شعارهایی که خصلت درازمدت تر دارند نظیر "حق برپائی تشکل مستقل کارگری" نیز به میان می آید. اینها شعارهایی هستند که کارگران را در مبارزات روزمره شان متحد می کند؛ آنها را به مقابله با استثمارگران و زورگویان می کشاند؛ و جریان مبارزات و پیشرویها و عقب نشینی ها، جلوه هایی از قدرت و اراده طبقه و جوانبی از ماهیت و نقاط ضعف و قوت دشمنانش را به کارگران نشان می دهد؛ آگاهی، اتحاد و تشکل آنها را تقویت می کند.

در دوره هایی که جنبش عمومی و سراسری شکل می گیرد و گسترش می یابد، شعارها مرزهای "صنفی" و "گروهی" را پشت سر می گذارند و نه فقط در جریان مبارزات فراگیر فریاد می شوند، بلکه در محیط های کاری مختلف به شعار روز افشار گوناگون تبدیل می شوند. برای مثال در جریان انقلاب 57، شعارهای عمومی جنبش مردم در اعتصابات و تحصن ها و قطعنامه های جنبش کارگری به گوش می رسید: "آزادی زندانیان سیاسی"، "انحلال دستگاه های سرکوبگر و امنیتی"، "آزادی بیان و مطبوعات و تشکل"، "افشاء و لغو قراردادهای اسارتبار امپریالیستی"، و در راس همه اینها شعار نابودی رژیم.

اگر چه در مقاطع معین یا در مبارزات مشخص، برخی شعارها می تواند بطور خودبخودی و "اتفاقی" به شعارهای مرکزی مردم تبدیل شود، اما بطور کلی چنین نیست. مرکزی شدن يك رشته شعار، نتیجه غلبه يك رهبری سیاسی - طبقاتی معین بر جنبش است. مثلاً در انقلاب 57، شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" زمانی به شعار توده های گسترده تبدیل شد که جریان خمینی توانسته بود نفوذ و سلطه سیاسی و ایدئولوژیک خویش را بر جنبش اعمال کند. یا مردم زمانی شعار دادند "ارتش برادر ماست" که مرتجعین و سازشکاران، رهبری انقلاب را بدست گرفته بودند. در آن دوره، نیروهای کمونیست و انقلابی تلاش می کردند با طرح شعارهایی چون "استقلال، آزادی، جمهوری مردمی" یا "ارتش ضد خلقی نابود باید گردد"، خلاف جریان شنا کنند، بر جنبش توده ای تاثیر بگذارند و آگاهی مردم را عمق بخشند. مبارزه ای که بر سر شعارها جریان داشت، جزئی از يك مبارزه طبقاتی بود. ما به علت اینکه ابزار اساسی اعمال رهبری و توان لازم را نداشتیم، نهایتاً در آن مبارزه شکست خوردیم. اما این شکست به معنای ناکامی کامل ما در تاثیرگذاری بر جنبشهای توده ای، تعمیق آگاهی مردم و جذب نیروهای پیشرو از دل آن مبارزات نبود. تلاش آن روز

کمونیستهای انقلابی، آنها را به پیشروان توده شناساند و زمینه پایه‌گیری و بسیج از میان شورشگران جوان را فراهم کرد.

امروز هم با پیوستن و شرکت فزاینده اقشار و طبقات گوناگون در یک جنبش عمومی ضد رژیم، و فعال‌تر شدن نیروهای سیاسی، مبارزه بر سر شعارها اهمیتی روز افزون می‌یابد. تعیین شعارهای مرکزی و شعارهای مناسب دیگر، یکی از وظایف مهم پیشروانی است که نقش مبلغ و سازمانگر را بعهده می‌گیرند. این کار، جزئی از رهبری عملی در صحنه نبرد است.

و بالاخره، به این نکته نیز باید اشاره کنیم که در تعیین شعارها باید به تجارب مبارزان انقلابی در کشورهای دیگر هم توجه کرد و از آنان آموخت. شعارهایی هستند که از صفوف جنبش در گوشه دیگری از جهان برخاسته و سپس در فرصتهای مشابه در کشورهای دیگر طنین افکن شده‌اند.

چه معیارهایی را برای تعیین شعارها باید در دست گرفت؟ چه نکاتی را باید مد نظر قرار داد؟ ما با دو رشته شعار سر و کار داریم: شعارهای استراتژیک و شعارهای تاکتیکی. منظور از شعارهای استراتژیک، شعارهای درازمدتی است که ماهیت و مفهوم انقلاب دمکراتیک نوین، انقلاب سوسیالیستی و هدف کمونیسم و راه تحقق اینها را در خود دارد: "زنده باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!"، "زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری"، "پیروز باد جنگ درازمدت خلق!"، "زنده باد حزب کمونیست انقلابی!"، "نابود باد سلطه امپریالیسم، سرمایه‌داری بوروکراتیک و نیمه فئودالیسم!"، "سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی"، "برقرار باد جمهوری نوین خلق!"، "زمین به کشتگر" و..... این شعارها سمت و سوی انقلاب را نشان می‌دهد. در دوره‌هایی این شعارها نقش ترویجی بازی می‌کند؛ عمدتاً عناصر پیشرو پرولتاریا و انقلابیون پیگیر را گرد می‌آورد تا ستون فقرات یک حزب انقلابی را بسازند یا تقویت کنند. در دوره‌ای دیگر که جنبشهای توده‌ای بپاخاسته، همین شعارها می‌تواند نقش تهییجی و برانگیزاننده بازی کند و جنبش را عمیقتر، گسترده‌تر و رزمنده‌تر سازد. شرایطی هم هست که برخی از این شعارها، جنبه عملی پیدا می‌کند. برای مثال، شعار "کارگر، دهقان، دانشجوی پیروز است!" که شعار جنبش دانشجویی در زمان شاه بود، نقش تاریخ ساز طبقه کارگر و متحدان نزدیکش یعنی دهقانان را مورد تاکید قرار می‌داد و بر ضرورت پیوند روشنفکران انقلابی با زحمتکشان تاکید می‌گذارد. یا شعار "زمین به کشتگر" که یک شعار برنامه‌ای طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک نوین است، در مناطقی که ارتش خلق موفق به در هم شکستن قدرت حکومت شده و قدرت سیاسی نوین را برقرار ساخته، به یک شعار عملی تبدیل می‌شود.

از طرف دیگر، انقلاب بدون تعیین شعارهای تاکتیکی پیش نمی‌رود. در مسیر پر پیچ و خم مبارزه، مرتباً مسائل و موضوعات خاصی پیش می‌آید. تضادهای بنیادینی که جامعه را جلو می‌برد، از طریق این موضوعات خودشان را نشان می‌دهند. نظام استثمار و ستم، خودش را از کانال‌های گوناگونی مطرح می‌کند. مثلاً، سرکوب سیاسی از طرف جمهوری اسلامی در یک مقطع می‌تواند در قتل عام زندانیان سیاسی سال 1367 فشرده بشود؛ و در مقطع دیگر در ترورهای سیاسی اخیر. مبارزه زنان علیه ستم جنسی، یک موقع می‌تواند بر سر حجاب اجباری گره بخورد، و در مقطع دیگر بر سر قوانین شرعی که زن را در جامعه و خانواده در موقعیت بردگی و نیمه بردگی نگاه می‌دارد. قتل زنی بدست شوهرش و بی‌اعتنایی تایید آمیز دستگاه قضائی رژیم می‌تواند جرقه یک جنبش توده‌ای زنان را بزند. در این حالت، شعارهای تاکتیکی خاص و به موقعی لازم است که به موضوع مربوط باشد: "قانون ارتجاعی ملغی باید گردد"، "قانون ارتجاعی، حامی قاتلان است"، "این قوه قضائی، سرکوبگر زنان است". درست همانطور که در مقطع قتل عام 1367، یا قتل‌های سیاسی اخیر، و یا انتشار اعتراضنامه وزارت اطلاعات، شعارهای خاصی لازم است: "معرفی و محاکمه و مجازات علنی آمران و عاملین قتل‌های اخیر"، "انحلال وزارت اطلاعات و افشای کلیه توطئه‌ها و جنایات 02 ساله این دستگاه" و... با توجه به جنبه خاص شعارهای تاکتیکی است که می‌توان بر بخش قابل توجهی از توده‌ها

که بر سر موضوعات معین حساس شده اند و خواهان مقاومت و مبارزه هستند تاثیر گذاشت و آنها را به مبارزه کشید. اما شعارهای تاکتیکی، شعارهایی در خود و مجرد نیستند. اگر شعار تاکتیکی می خواهد به پیشروی انقلاب خدمت کند، باید به اهداف استراتژیک انقلاب مربوط باشد و در تضاد با آنها قرار نگیرد؛ و جناح های مختلف هیئت حاکمه نتوانند به سادگی بر سرش مانور دهند؛

باید آگاهی انقلابی توده های درگیر در مبارزه را در مورد ماهیت نظام حاکم و ریشه ستمگری ها بالا ببرد؛

باید بر انگیزاننده باشد و نه تسکین دهنده؛

مبارزه جویانه باشد و نه مظلوم نمایانه؛

روحیه اتکاء به خود و تحقیر دشمن را تقویت کند و نه روحیه تقاضا از دشمنان آشکار و پنهان مردم.

برای مثال شعار "آزادی زندانی سیاسی" به روشنی یکی از ارکان رژیم یعنی سرکوب سیاسی و عقیدتی و زندان را زیر سؤال می برد؛ اقشار مختلف مردم بر سر این شعار حساس هستند و بنابراین خصلت بسیج کننده، متحد کننده و برانگیزاننده دارد؛ و دشمن را به تنگنا می اندازد. در مقابل، شعار "لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان"، شعاری کاملاً توهم برانگیز است که مردم را به دایره دعوای رقابتهای درون هیئت حاکمه می کشاند. این دید را تقویت می کند که اگر نظارت استصوابی برداشته شود و افراد بیشتری بتوانند نامزد شرکت در نهادهای مختلف این رژیم ارتجاعی شوند، گرهی از کار مردم باز می شود. شعارهای نظیر "جامعه مدنی ایجاد باید گردد"، "ولایت مطلقه ملغی باید گردد"، "طالبان حیا کن، مملکتو رها کن" و یا شعارهایی که در دفاع از "قانون و امنیت" داده می شود، کاملاً بر مقاصد و مانورهای یک جناح از جمهوری اسلامی منطبق است. این جور شعارها از مردم سیاهی لشکر می سازد. و همینطور شعار مظلومانه ای که به اصطلاح می گویند گزک به دست رژیم ندهد، و در واقع به دنبال ایجاد نقطه مشترک با دستگاه حاکم است: "ما همه روزه داریم، از طالبان بیزاریم"؛ و یا شعار ارتجاعی "نیروی انتظامی، تشکر، تشکر" "به خاطر جلوگیری از حمله انصار حزب الله به تجمعات اعتراضی (شعارهایی هم هستند که انقلاب را از پایه مورد تهدید قرار می دهند، و دست امپریالیستها که نقطه اتکاء و حامی دولت ارتجاعی هستند را در صحنه سیاسی جامعه بیشتر باز می کنند. مثلاً شعار "برقراری رفتارندم آزاد تحت نظارت سازمان ملل" و "یا"استقرار نیروهای بین المللی برای جلوگیری از اقدامات سرکوبگرانه دولت مرکزی."

با وجود اینکه، جنبه متحد کننده شعارهای تاکتیکی را نباید از نظر دور داشت، اما این به معنای دنباله روی از جو غالب در بین توده ها نیست. این واقعیتی است که برای تبدیل یک شعار به شعار جنبش توده ای باید مبارزه کرد؛ اما پیش گذاردن شعارهای صحیح، خود جزئی از این مبارزه است. بویژه زمانی که جریان سازشکار و ضدانقلابی، و حتی مرتجعین فریبکار می روند که شعارهای انحرافی و توهم برانگیز خود را بر جنبش مسلط کنند، باید خلاف جریان عمومی شنا کرد. و تنها بدین طریق می توان تاثیر گذاشت. برای مثال، در انقلاب 57 مهم بود که در مقابل شعار "ارتش برادر ماست"، شعار "ارتش ضد خلقی نبود باید گردد" یا "تنها ره رهایی، جنگ مسلحانه" جلو گذاشته شود. اگر چه این شعارها به شعار عمومی تبدیل نشد، ولی بدون نفوذ و تاثیر هم نماند. بویژه در مقاطعی که ارتش سرکوبگر بر تظاهر کنندگان آتش می گشود و کشتار می کرد، این شعارها بیشتر به گوش می رسید و تکرار می شد. گاهی نیز مبارزه در عرصه شعارها، به شکل غیر مستقیم صورت می گیرد. برای مثال در تظاهرات تشییع داریوش فروهر و پروانه اسکندری، زمانی که گروهی به نفع خاتمی شعار دادند و کوشیدند آن مبارزه ضد رژیم را منحرف کنند، مردم با تکرار نکردن شعارها و منفرد کردن طرفداران خاتمی، مقابل این حرکت ایستادند. یا برخی از شرکت کنندگان شعار "استقراض خارجی، تماس آمریکائی، دیگر اثر ندارد" را دادند که تلاشی بود برای آماج قرار دادن کل هیئت حاکمه؛ تلاشی بود برای نشان دادن رابطه امپریالیسم با طبقات ارتجاعی حاکم بر ایران.

تا آنجا که به طرح شعارها در دوره جاری از جانب کمونیستهای انقلابی بر می گردد، چند نکته کلی را می توان جلو گذاشت:

- این شعارها باید جنایات و بیدادگریهای رژیم و کل دستگاه سرکوبگر نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی را زیر ضرب برده و مرتجعین فریبکار را خلع سلاح کند؛ مضحکه های انتخاباتی، حزب بازی، "مشارکت مردمی" و سیاست "آشتی ملی" آنها را افشاء کند.

- باید منافع توده های تحتانی جامعه و نقش آنها در انقلاب را برجسته کند؛ و ضرورت پیوند روشنفکران انقلابی با کارگران و دهقانان را جلو بگذارد.

- باید خواسته های زنان، ملل ستمدیده و جوانان را منعکس کند.

- باید راه را بر نفوذ و فریبکاریهای امپریالیستی در صحنه سیاسی ایران ببندد.

- در مرکز همه این شعارها، باید شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" را فراگیر کرد.